

تبیین رابطه شناختی سوره انسان با اهل بیت علیهم السلام با تکیه بر نقد شبهات

محمدرضا پیری *

چکیده

به اتفاق جمهور مفسران، سوره «انسان» در مدینه و آیات آغازین آن در شأن اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله نازل شده است. افرادی همچون ابن تیمیه و وهابیان تابع او، در صدد این رویکرد برآمدند که سند و دلالت این روایات را مورد خدشه قرار دهند. نگارنده در این تحقیق کوشیده است تا اولاً، مدنی بودن این آیات را اثبات کند و ثانیاً، بنیادی‌ترین شبهه‌های دلالتی این روایات را پاسخ دهد. دستاورد پاسخ‌ها، اثبات این مطلب است که امام علی علیه السلام، به همراه خانواده‌اش و فضه، در مدینه با رضایت باطنی‌شان غذای خود را که برای افطار تهیه کرده بودند، به یتیم، مسکین و اسیر بخشیدند. در این میان، عصمت امام حسن و امام حسین علیهم السلام آنان را برانگیخت تا در کودکی خود، چند روز گرسنگی را تحمل کنند و روزه بگیرند. این آیات زمانی نازل شد که حضرت زهرا علیها السلام نه حامله بودند و نه بچه شیر می‌دادند؛ در نتیجه روزه گرفتن برای آن حضرت ضرری در پی نداشته است.

کلیدواژگان: سوره انسان، اهل بیت علیهم السلام، رسول خدا صلی الله علیه و آله، مدنی، نذر.

*. دانشجوی دکتری مدرسی معارف دانشگاه قم؛ Piry313@yahoo.com

مقدمه

درباره اهل بیت پیامبر ﷺ، فضایل بسیاری در قرآن ذکر شده است؛ مانند آیه مباحله و آیه تطهیر. یکی از آیاتی که درباره امام علی و حضرت زهرا و امام حسن و امام حسین ﷺ نازل شده، آیات آغازین سوره «انسان» (دهر) است؛ ﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا * عَيْنًا يَشْرِبُ بِهَا عَبْدُ اللَّهِ يَقْرِئُهَا تَفْجِيرًا * يَوْفُونَ بِالَّذِرِّ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا * وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا * إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا * إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا﴾. عده‌ای از علمای اهل سنت تلاش کرده‌اند تفسیر دیگری از این آیات ارائه و اثبات کنند که این آیات در شأن اهل بیت رسول خدا ﷺ نازل نشده است (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ ق، ج ۴، ص ۴۸). بر این اساس، در چند محور سندی و دلالی، شبهه‌های خود را نسبت به این آیات مطرح کرده‌اند. آنان معتقدند که اولاً، در آثار اهل سنت روایات صحیحی بر نزول این آیات درباره اهل بیت پیامبر ﷺ ذکر نشده، بلکه این آیات در مکه و قبل از ازدواج امام علی ﷺ با حضرت زهرا ﷺ نازل شده است؛ ثانیاً، بر فرض صدور این روایات، دلالت این روایات دچار اشکالات اساسی است؛ مانند ۱. عدم مشروعیت نذر در اسلام؛ ۲. اجباری بودن روزه نسبت به فرزندان امام علی ﷺ؛ ۳. مضر بودن روزه برای حضرت زهرا ﷺ؛ ۴. جعلی بودن خادمی فضا؛ ۵. ناتوانی امام حسن و امام حسین ﷺ در روزه گرفتن.

تاکنون آثاری ذیل این آیات نگاشته شده است؛^[۱] ولی عمده این آثار، بر سند و مدنی بودن آیات آغازین سوره انسان تمرکز یافته است. مزیت این پژوهش نسبت به موارد مشابه بر این امر استوار است که علاوه به بررسی سندی روایات این دسته از آیات، به شبهه‌های بنیادینی که به دلالت این دسته از روایات مرتبط می‌شود، پاسخ داده شده است. نگارنده در این پژوهش تلاش کرده است با روش اثباتی - انتقادی، شبهه‌های سندی و دلالی این دسته از علمای اهل سنت را پاسخ دهد.



شبهات سندی روایات

اهل بیت پیامبر ﷺ مصداق آیات آغازین سوره انسان

ذیل این آیات، روایات بسیاری در آثار اهل سنت وجود دارد که شأن نزول آیات را به اهل بیت رسول خدا ﷺ مربوط دانسته است. زمخشری و دیگران سبب نزول این آیه را چنین نقل کرده‌اند:

«حسن و حسین بیمار شدند، رسول خدا ﷺ، همراه افرادی، از آن دو بزرگوار عیادت کردند. به ابوالحسن پیشنهاد کردند، کاش بر فرزندان، نذری می‌کردی. آن‌گاه علی و فاطمه و کنیزشان، فضا، نذر کردند که اگر آن دو از بیماری بهبود یابند، سه روز، روزه بگیرند. آن دو شفا یافتند، حال آنکه طعامی برای خوردن نداشتند، تا جایی که امام علی (علیه السلام) از شمعون خیبری یهودی سه صاع جو قرض گرفت! فاطمه یک صاع آن را آسیاب کرد و پنج قرص نان، به تعداد افراد، پخت کرد. قرص‌های نان را در پیش رو گذاشتند تا افطار کنند که سائلی بر ایشان وارد شد و گفت: ای اهل بیت پیامبر! سلام بر شما باد! من یکی از مسکینان مسلمان هستم؛ مرا طعام دهید؛ باشد که خداوند شما را از سفره‌های بهشتی اطعام کند! آنها او را برخود ترجیح دادند و شب را با نوشیدن آب تنها، سپری ساختند و صبح روزه گرفتند. پس چون به شب درآمدند و طعام در مقابل نهادند، یتیمی نزدشان آمد؛ او را نیز بر خود برگزیدند. شب سوم اسیری وارد گشت؛ همانند دو شب پیش عمل کردند. صبح روز بعد، علی (علیه السلام)، دست حسن و حسین را گرفت و رو به سوی رسول خدا ﷺ، نهادند. وقتی پیامبر ﷺ ایشان را دید که همانند جوجه از شدت گرسنگی می‌لرزند، گفت: چه سخت است حال بدی که در شما می‌بینم! برخاست و با هم رفتند. فاطمه را در محرابش دید که پشتش به شکمش چسبیده و چشمانش فرو نشسته بود. پیامبر ﷺ، ناراحت شد. آن‌گاه جبرئیل نازل گردید و گفت: ای محمد! خداوند به خاطر اهل بیت به تو تبریک می‌گوید. آن‌گاه، این سوره را بر آن حضرت قرائت کرد» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۰۰ و فخر رازی، ۱۴۲۱ق، ج ۳۰، ص ۲۱۵).





سند روایات

آلوسی در تفسیرش، بعد از اینکه شأن نزول این آیه را به خاندان پیامبر اسلام ﷺ منحصر دانسته است، چنین می‌گوید: «خبر در بین مردم مشهور است» (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲۹، ص ۱۵۷). این حدیث را که در شواهد التنزیل، با نوزده طریق مختلف نقل شده است؛ عبدالله بن مبارک، از یعقوب بن قعقاع، از مجاهد، از ابن عباس آورده است. طرق این روایت، مورد تأیید رجالیان اهل سنت است: عبدالله بن مبارک، «امام المسلمین، فقیه، عالم، عابد، زاهد، سخی، شجاع و شاعر» شمرده شده است؛ یعقوب بن قعقاع نیز «ثقه» است. همچنین مجاهد بن جبر المکی، ثقه و ابن عباس، صحابی معروف و مفسر قرآن است. در نتیجه این حدیث، صحیح است (بشوی، ۱۳۸۵، ص ۶۹).
بر این اساس، برخی از دانشمندان اهل سنت، اصل این قصه را صحیح دانسته و بر صحت آن تأکید کرده‌اند؛ مانند سبط ابن جوزی، اسماعیل حقی بروسوی و محمدعلی خالدي (همان).

دیگر شأن نزول‌ها

در مقابل این روایات، شأن نزول‌های دیگری نیز مطرح شده که در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. مرد حبشی

روایتی از ابن زید رسیده است که «پیامبر اکرم ﷺ، این سوره را قرائت کرد؛ در آن هنگام، نزد آن حضرت، مردی حبشی نشسته بود. همین که سوره به صفت بهشت رسید، مرد سیاه ناله‌ای سر داد و جان از کالبدش بیرون آمد». مانند این حدیث، از ابن عمر هم آمده است (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۲۹۷).

نقد و بررسی

این روایت، اولاً، مرسل است؛ چنان‌که خود ابن کثیر این روایت را مرسل و غریب عنوان کرده است؛ ثانیاً، این روایت عنوان نکرده که این مرد حبشی سبب نزول سوره



است، بلکه متذکر این نکته است که پیامبر اکرم این سوره را قرائت کرد و مرد حبشی که نزد پیامبر حضور داشت، با شنیدن اوصاف بهشت از دنیا رفت. این روایت، با شأن نزول آیه درباره اهل بیت، هیچ تعارض و مشکلی ندارد. ممکن است این سوره بر افراد دیگری هم تأثیر داشته باشد. تأثیر غیر از شأن نزول است. ملاک سبب نزول، تقدم حادثه بر نزول است؛ در حالی که بر اساس روایات، پس از نزول و تلاوت بر مرد حبشی، آن حادثه رخدادی پیش آمد؛ ثالثاً، این روایت با آیات هیچ تناسبی ندارد؛ زیرا آیات از وفای به عهد و نذر و از عده مخصوص سخن می‌گویند (بشوی، ۱۳۸۵، ص ۷۱).

به علاوه، از ظاهر روایت بر می‌آید که پسر عمر در داستان مرد سیاه حاضر بوده است؛ اما پسر عمر، وقتی به مدینه هجرت کرد، کودکی یازده ساله بوده و این شاهد نزول سوره در مدینه است، به علاوه مضمون این روایت مقارنت با نزول است، نه تقدم بر نزول (همان).

۲. عده‌ای از صحابه

ابن عساکر از مجاهد نقل کرده است که ابوبکر، عمر، علی علیه السلام، زبیر، عبدالرحمن، سعد و ابوعبیده بن الجراح بر اسیران بدر اتفاق کردند. سپس آیه «ان الابرار» تا «سلسبیل» نازل شد (سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ج ۸، ص ۳۰۷).

بررسی و نقد

اولاً، این روایت به عنوان «قیل» آمده است و معلوم نیست چه کسی طرفدار این نظریه است؛

ثانیاً، مجاهد، تابعی است، نه صحابه و بدون استناد به صحابه، روایت او مرسل است؛ زیرا او در جنگ بدر نبوده و شأن نزول آیه را ندیده است. لذا خبر او حجیت ندارد؛ ثالثاً، روایت، مخالف آیات است که از نذر و وفا به آن خبر می‌دهند و از اطعام مسکین و یتیم سخن می‌گویند؛



رابعاً، برخی از دانشمندان علوم قرآنی اهل سنت، به ضعف این روایت تصریح کرده‌اند؛ چنان‌که مفسر معروف، سید محمود آلوسی درباره این روایت می‌گوید: «لم أره لفرد غیر ابن عساکر ولا وثوق لی بصحته» (بشوی، ۱۳۸۵، ص ۷۲).

مفسر دیگر اهل سنت می‌گوید: «بر صحت این حدیث اعتمادی نیست و جز ابن عساکر کسی دیگر آن را نقل نکرده است». بنابراین این روایت مرسل، ضعیف، مردود و مجعول است (همان).

مدنی بودن سوره انسان

عده‌ای از علمای اهل سنت، بر این باورند که سوره انسان در مکه نازل شده است و در آن زمان، امام حسن و امام حسین (علیه السلام) متولد نشده بودند (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ ق، ج ۴، ص ۴۸)؛ اما در این ادعا اشکالات فراوانی وجود دارد:

۱. بسیاری از مفسران اهل سنت، معتقدند که سوره مذکور در مدینه نازل شده است؛ چنان‌که زمخشری، که از مفسران معروف اهل سنت و از مشاهیر آنان است، در کتاب معروفش، «کشاف»، به مدنی بودن این سوره تصریح کرده است. همچنین قرطبی در تفسیرش، تصریح کرده که جمهور علمای اهل سنت معتقدند سوره انسان در مدینه نازل شده است (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۶۶۶؛ قرطبی، ۱۳۸۷، ج ۱۹، ص ۱۱۸ و واحدی، ۱۴۱۲ ق، ص ۳۳۶).

۲. از آیه شریفه ﴿وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾ استفاده می‌شود که این سوره مدنی است؛ زیرا در مکه اسیری وجود نداشت، بلکه بعد از هجرت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان به مدینه و تشریع جهاد و شروع غزوها این مسئله در مدینه به وجود آمد. بنابراین خود کلمه «اسیر» بهترین شاهد است که سوره دهر، مدنی است.

۳. مکی بودن سوره، منافای آن نیست که برخی آیاتش در مدینه نازل شده مدنی باشد و برعکس (امینی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۲۴۱).



۴. کسانی که معتقدند در این سوره یک یا چند آیه مکی وجود دارد، مانند حسن، عکرمه و کلبی؛ تصریح می‌کنند که آیات مربوط به قصه اطعام، مدنی است (همان، ص ۲۴۳).

۵. بین مکی بودن سوره و نزول آن قبل از هجرت، هیچ ملازمه‌ای وجود ندارد؛ زیرا ممکن است در حجة الوداع نازل شده باشد، با توجه به اینکه از کلمه «اسیرا» اراده عموم شده و این واژه به هر مؤمنی که مملوک را هم شامل می‌شود، اطلاق می‌گردد؛ چنان‌که سعید بن جبیر، حسن، ضحاک، عکرمه، عطا و قتاده گفته و ابن جریر و گروه دیگری آن را برگزیده‌اند و این‌گونه اسیران، در مدینه بعد از هجرت یافت می‌شدند، نه قبل از آن در مکه (همان).

۶. درباره این مطلب که «این سوره، مشتمل بر انواع نعمت‌های حسی، مفصل و طولانی و گونه‌های عذاب‌های غلیظ است»؛ باید گفت که این‌گونه بیان، به سوره‌های مکی اختصاص ندارد، تا دلیلی باشد بر این ادعا که سوره مورد بحث در مکه نازل شده است. این سوره، نظیر سوره‌های الرحمن و حج است که به شهادت روایاتی که ترتیب نزول سوره‌های قرآنی را ذکر می‌کنند، هر دو پس از هجرت نازل شده و هر دو بر اقسام نعمت‌های حسی، مفصل و طویل و بر گونه‌های عذاب‌های غلیظ مشتمل هستند، بلکه در آن دو سوره، این معانی بیشتر از سوره مورد بحث آمده است (طباطبایی، ۱۳۷۰، ج ۲۰، ص ۱۳۵).

۷. بسیاری از روایات اهل سنت، مدنی بودن این سوره را ادعا می‌کنند، مانند:

الف) سیوطی از بیهقی روایت کرده است که او در کتاب «دلائل النبوة» با سند خود، از عکرمه و حسین بن ابی‌الحسن چنین بیان می‌کند: خدای تعالی از قرآن کریم سوره ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ﴾ و سوره «ن» و سوره مزمل را در مکه نازل کرد و سوره‌هایی که در مدینه نازل شد، عبارتند از: ویل للمطففین، بقره، آل عمران، انفال، احزاب، مائده، ممتحنه، نساء، إذا زلزلت، حدید، محمد، رعد، الرحمن، هل أتى على الانسان و... (سیوطی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۵۷ و ۵۸).



ب) سیوطی از ابن ضریس نقل می‌کند که وی در کتاب «فضائل القرآن» به سند خود از عثمان بن عطاء خراسانی، از پدرش، از ابن عباس چنین روایت کرده است: هر وقت آغاز نزول سوره‌ای در مکه بود، در همان مکه نوشته می‌شد. آن‌گاه خدای تعالی هرچه را می‌خواست، به آن اضافه می‌کرد. اولین سوره‌ای که نازل شد، سوره ﴿أَفْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ﴾ و بعد از آن سوره «ن» و سپس سوره مزمل بود. آن‌گاه در مدینه سوره بقره و سپس انفال و بعد از آن آل عمران، آن‌گاه احزاب و سپس ممتحنه و بعد از آن نساء و آن‌گاه إذا زلزلت و بعد از آن حدید، قتال، رعد، الرحمن، انسان (دهر) و... نازل شد (همان).

ابن ضریس، ابن مردویه و بیهقی، از ابن عباس چنین روایت کرده‌اند: سوره انسان در مدینه نازل شده است (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۲۹۷).

ج) سعید بن منصور، ابن ابی شیبه، ابن منذر و ابن مردویه، از حسن چنین روایت کرده‌اند: روزی که آیه ﴿وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾، نازل شد؛ اسیرانی از مشرکان در مدینه بودند (همان).

د) ابن جوزی در این باب، سخن ابن شیطا را نقل می‌کند. بر این اساس، سوره‌های مدنی ۲۹ سوره و به ترتیب کنونی قرآن گزارش می‌شود. و سوره «انسان» در میان آن‌هاست و ۸۵ سوره باقی مانده، مکی به حساب می‌آید (ابن جوزی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۶۰).

شبهه‌های دلالتی روایات مشروعیت نذر در اسلام

برخی از علمای اهل سنت، بر این باورند که در اسلام اساساً نذر برای غیر خدا هیچ‌گونه مشروعیتی ندارد تا بر این مبنا عملکرد امام علی در مسئله نذرشان مورد مناقشه قرار گیرد (ابن تیمیه، ۱۴۱۶ق، ج ۲۷، ص ۷۷).

این ادعا درست نیست؛ زیرا یکی از بهترین راه‌های حل مشکلات، نذر کردن در راه خداست و انسان به وسیله این روش به خداوند نزدیک می‌گردد. قرآن کریم نیز برخی آیات را به مشروعیت نذر اختصاص داده است. این کتاب آسمانی داستان نذر همسر عمران،



یعنی مادر حضرت مریم علیها السلام را نقل می‌کند و می‌فرماید: «و به یاد آورید هنگامی که همسر عمران گفت: «خداوندا! آنچه در رحم دارم، برای تو نذر کردم که آزاد و در خدمت خانه تو باشد. از من بپذیر که تو شنوا و دانایی!» (آل عمران: ۳۵) و در سوره مریم، پس از نقل داستان تولد حضرت عیسی علیه السلام، خدای متعال به حضرت مریم علیها السلام می‌فرماید:

«هرگاه کسی از انسان‌ها را دیدی، [با اشاره] بگو: من برای خداوند رحمان، روزه‌ای نذر کرده‌ام. بنابراین با کسی سخن نمی‌گویم» (مریم: ۲۶). این کتاب آسمانی هنگامی که یکی از ویژگی‌های «عباد الرحمن» را برمی‌شمارد، می‌فرماید: «ایشان به نذر خویش وفا می‌کنند و از روزی که شر و عذابش گسترده است [= قیامت]، می‌ترسند» (انسان: ۷).

دلیل دیگر اینکه در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز، نذر کردن بین صحابه رواج داشت؛ چنان‌که در رویداد مریضی فرزندان امام علی علیه السلام چنین بود. ابن عباس چنین تعریف می‌کند: «هنگامی که حسن و حسین علیهما السلام مریض شدند، جماعتی همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله، به عیادتشان آمدند. آنان گفتند، ای ابا الحسن! اگر می‌توانی بر دو فرزندت چیزی نذر کن. امام علی و فاطمه و فضه - کنیزشان - نذر کردند که اگر دو فرزندشان خوب شوند، سه روز روزه بگیرند» (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۶۷۰).

این عمل، مشروعیت نذر را می‌رساند زیرا صحابه در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله و به همراه آن حضرت، به امام علی علیه السلام پیشنهاد نذر دادند و آن حضرت نیز پیشنهاد آنان را پذیرفت.

نهی پیامبر صلی الله علیه و آله از نذر

ابن تیمیه معتقد است که پیامبر اسلام از نذر کردن منع فرموده؛ چنان‌که در صحیحین آمده است. اگر علی و فاطمه و خانواده ایشان از این خبر آگاه نبوده و نذر را مانند دیگر افراد امت پیامبر اکرم انجام داده‌اند؛ این خود نوعی ذم است. پس کجایند مدعیان عصمت؟ اگر اینان می‌دانستند و به چیزی عمل کردند که اطاعت خدا و رسولش در آن



نیست و برای آن دو نفر نیز، یعنی برای علی و فاطمه فایده‌ای نداشته، در واقع، آن دو را منع کرده (با نهی تحریمی یا تنزیهی)؛ و لذا در هر صورت برای آنان نوعی ذم محسوب می‌شود. کسانی که این را در فضل آنها ذکر کرده‌اند، در اصل ذمشان کرده‌اند و به واقع، خداوند آنان را به خاطر وفای نذر مدح کرده است نه به دلیل خود عقد نذر (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۴۸).

بررسی و نقد

بر اساس همین حدیث صحیح که با ده‌ها سند مختلف نقل شده است، نذر کردن کاری بسیار پسندیده و ممدوح است. به خاطر همین پسندیدگی، خود آن حضرت به امیرالمؤمنین دستور می‌دهد که ای ابالحسن! برای شفای فرزندان نذری کن. کار علی و فاطمه نیز با آگاهی انجام می‌گیرد و اطاعت خدا و رسول خداست؛ چون با دستور پیامبر صورت گرفته است و همین فضیلت در دین آنان است (بشوی، ۱۳۸۵، ص ۷۷).

اما قول ابن تیمیه، مبنی بر اینکه خداوند وفای به نذر را ستوده، نه خود عقد نذر را؛ بسیار بی‌اساس است؛ زیرا اگر این کار، حرام است، طبعاً مرتکب آن مجرم و گناهکار است و آن عمل، قابل ذم است، نه قابل مدح، طبعاً کسی که به نهی خداوند اعتنایی نکند، به هیچ‌وجه قابل مدح نیست. اگر نذرکردن منع شده باشد، وفا به آن، چه مدحی را اقتضا می‌کند؟ منطقاً وفای به آن هم قابل مذمت و ملامت است (همان).

نذر کردن پسندیده و از کارهای نیک است؛ به همین دلیل، خداوند وفای به آن را مدح و ستایش فرموده است. اهل بیت ظرف مشیت خداوندی‌اند: ﴿وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ (تکویر: ۲۹)؛ به علاوه این نذر، طبق فرمان خود پیامبر صورت گرفته؛ چنان‌که در روایت اول گذشت و کسی که طبق فرمان ایشان کاری را انجام دهد، به آن کار «اطاعت» گفته می‌شود و یقیناً اطاعت از فرمان پیامبر، مورد رضای خدا و قابل مدح و ستودنی است (همان).

اتفاق امام علی (علیه السلام)

ابن تیمیه اتفاق امام علی (علیه السلام) را دور از انسانیت دانسته و معتقد است که آن حضرت باید غذا را به خانواده خودش می داد، نه اینکه سه روز متمادی به دیگران ببخشد (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ ق، ج ۴، ص ۴۸). این طرز تفکر، با انفاقی که قرآن آن را تأیید کرده است، سازگار نیست؛ زیرا اولاً، آیات آغازین سوره دهر: ﴿وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾ إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا (دهر: ۸ و ۹) که طبق روایات صحیح درباره امام علی و خانواده آن حضرت (علیه السلام)، نازل شده؛ لسانش مدح و ستایش آنان است و خداوند آنان را ستوده و آنان را جزء ابرار معرفی کرده است. در حقیقت، این اشکال ابن تیمیه، اجتهاد در مقابل نص قرآن است؛ ثانیاً، برخی از صحابه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز مشابه این عمل را انجام داده اند و با توجه به اینکه خانواده آنان، طعام خود را به دیگران بخشیده، بدون خوردن طعام خوابیدند؛ آیه ﴿وَيُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾^[۲] (حشر: ۹)؛ در مدح کسانی که این عمل را صورت دادند، نازل گردید و پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)، عمل این صحابه را تحسین فرمود (ثعلبی، ۱۴۲۹ ق، ج ۹، ص ۲۷۹).

ثالثاً، از ظاهر روایات استفاده می شود که حضرت علی (علیه السلام) فقط غذای خودش را به فقیر داد، نه غذای همه افراد خانواده را. سپس حضرت فاطمه (علیها السلام) نیز با میل و اختیار، غذای خود را در اختیار نیازمند قرار داد و امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) نیز این کار را با میل و رغبت انجام دادند (همان، ج ۱۰، ص ۱۰۱)؛ و لذا امام علی (علیه السلام)، خانواده اش را به این عمل اجبار نکرد و آنان با اختیار خودشان غذاهایشان را اتفاق کردند. در این جا بود که آیات آغازین سوره دهر در ستایش این خاندان نازل گردید و این خود، امتحانی الهی بود که امام علی و خانواده اش (علیهما السلام)، از این آزمون سربلند بیرون آمدند و نیازمندان را یاری دادند؛ چنان که نظام الدین نیشابوری این واقعه را امتحانی الهی برشمرده است (نیشابوری، ۱۴۱۶ ق، ج ۱، ص ۶۸۶).





رباعاً: بعضی از روایت، این ایثار را طی یک روز دانسته و امام علی علیه السلام در همان روز به یتیم و مسکین و اسیر اطعام کرده است (ابن المغازلی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۳۴۲). در نتیجه آن حضرت هیچ گونه فشار و سختی و اجباری بر خانواده خودش تحمیل نکرده است.

مضر بودن روزه حضرت زهرا علیها السلام

برخی از وهابیان بر این باور هستند که روزه گرفتن برای حضرت زهرا علیها السلام متضمن ضرر بوده است؛ زیرا آن حضرت یا حامله بوده و یا بچه شیر می داده اند و لذا بر آن حضرت سزاوار نبود سه روز روزه بگیرد (وبلاگ اسلام راستین www.islamtext.wordpress.com). این ادعا با تاریخ ولادت فرزندان حضرت زهرا علیها السلام ناسازگار است؛ زیرا آن حضرت زمانی سه روز روزه گرفتند که نه حامله بودند و نه بچه شیر می دادند. حضرت زهرا علیها السلام دارای پنج فرزند بودند که به ترتیب عبارتند از: امام حسن، امام حسین، حضرت زینب، حضرت ام کلثوم و حضرت محسن علیهم السلام و سال های تولد فرزندان حضرت زهرا این گونه است: امام حسن مجتبی علیه السلام در سال سوم هجری (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۲۴۶)؛ امام حسین علیه السلام در سال چهارم هجری (همان، ص ۳۸۰)؛ حضرت زینب علیها السلام در سال پنجم هجری ^[۳]؛ حضرت ام کلثوم علیها السلام در سال ششم هجری متولد یافته اند (همان، ص ۵۰۰) و حضرت محسن علیه السلام اندکی بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله سقط شده اند (صفدی، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۱۵). از سوی دیگر، آیات آغازین سوره دهر در سال هشتم هجری نازل شده است؛ زیرا طبق روایات اهل سنت، امام حسن و امام حسین علیهم السلام توانایی این را داشته اند که روزه بگیرند (رازی، ۱۴۲۱ق، ج ۳۰، ص ۲۱۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۳۷۱ و زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۲۰۰) و طبیعتاً باید سنی این دو بزرگوار به ترتیب ۴ و ۵ ساله باشد که همان سال هشتم هجری خواهد بود و در این سال، حضرت زهرا علیها السلام نه حامله بودند و نه بچه شیر می دادند. بنابراین روزه گرفتن برای آن حضرت علیها السلام، هیچ گونه ضرری نداشته است.

از خود گذشتگی و صبر امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) در زمان کودکی

برخی از وهابیان معتقدند که چگونه کودکان ۴ - ۵ ساله می‌توانند این گونه صبر بکنند و با اینکه تکلیفی بر عهده آنان نیست، روزه بگیرند! (وبلاگ اسلام راستین www.islamtext.wordpress.com) این اعتقاد با شناختی که شیعه و اهل سنت نسبت به امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) دارند، متفاوت است؛ زیرا درست است که سن آن دو امام در آن زمان کم بود؛ خلایق فراوان و ذکاوتشان آنان را برانگیخت تا برای رضای خدا، گرسنگی را تحمل و انفاق کنند؛ در روان‌شناسی کودکان ۳ تا ۱۳ سال را به وسیله آزمایش EQ^[۴] می‌سنجند و کسانی از آنان را که قدرت تحملشان زیاد است و در مقابل مشکلات و سختی‌ها صبر می‌کنند؛ از نخبه‌ترین کودکان به حساب می‌آورند.^[۵]

این اندیشه برتر و از خود گذشتگی‌شان، به خاطر عصمت آنان بود؛ چنان‌که تفاسیر اهل سنت تصریح کرده‌اند که آیه تطهیر در شأن پیامبر اسلام و امام علی و حضرت زهرا و امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) نازل شده و خداوند این افراد را از تمام پلیدی‌ها مصون قرار داده است (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۶۱۳). بر این اساس، آنان بر مبنای عصمت‌شان، این چند روز را صبر و شکیبایی ورزیده و غذای خود را به نیازمندان بخشیدند.

روزه فضه

فضه کنیزی بود که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) او را به حضرت زهرا (علیها السلام) هدیه کرد تا آن حضرت انجام دادن کارهای خانه را با این کنیز تقسیم کند (ابن حجر، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۲۸۱). این در حالی است که برخی از علمای اهل سنت معتقدند امام علی و حضرت زهرا (علیهما السلام) اصلاً کنیزی به اسم فضه نداشتند تا با آنان روزه بگیرد. وضع مالی نامناسب آنان نیز دلالت دارد که آنان توانایی خریدن کنیز را نداشتند (ابن تیمیّه، ۱۴۰۶ق، ج ۷، ص ۱۸۲). این ادعا با واقعیت‌های تاریخی متفاوت است؛ زیرا:





اولاً: طبق نقل ابن حجر عسقلانی، پیامبر اسلام ﷺ، این کنیز را به حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)، هدیه کرد تا این کنیز در کارهای منزل، فاطمه را کمک کند. لذا امام علی (علیه السلام) این کنیز را خریداری نکرده است (ابن حجر، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۲۸۱). ابن اثیر در کتاب معروف خود، ذیل ترجمه فضا چنین آورده است: «فضه النویة جاریة فاطمة الزهراء بنت رسول الله» (ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۵۳۰). همچنین زمخشری، قرطبی و طبق نقل او نقاش، ثعلبی و قشیری و نیز ابن عادل حنبلی و بسیاری دیگر از مفسران اهل سنت، فضه را خادمه حضرت زهرا (علیها السلام) می دانند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱۹، ص ۱۳۰ و قرطبی، ۱۳۸۷، ج ۱۹، ص ۱۳۰).

ثانیاً: بسیاری از رجالیان و مفسران اهل سنت، ذیل آیات آغازین سوره انسان، تصریح کرده اند که فضه، همراه اهل بیت رسول خدا ﷺ، برای سلامتی امام حسن و حسین (علیهم السلام) نذر کرد و روزه گرفت (همان؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۶۷۰ و نسفی، ۲۰۰۵م، ج ۴، ص ۲۴۷).

سنت بودن افطار بعد از ادای فریضه مغرب

عده ای از وهابیان بر این باورند که مستحب است روزه دار قبل از ادای فریضه مغرب، افطار کند؛ در حالی که خاندان رسول خدا ﷺ، بعد از ادای این فریضه آن هم با تأخیر فراوان (افطار کردند؛ (وبلاگ اسلام راستین www.islamtext.wordpress.com) اما باید دانست این ادعا با مبانی فقهی - اخلاقی اهل سنت ناسازگار است؛ زیرا اولاً، علمای اخلاق اهل سنت معتقدند که سنت است روزه دار با تأخیر فراوان از ادای نماز مغرب افطار کند؛ چنان که غزالی در زمینه افطار روزه چنین تصریح می کند: «سنت دوم این است که انسان روزه دار، روزه خود را با تأخیر افطار نماید؛ حتی مستحب است روزه دار تا سه روز بعد از روزه، هیچ گونه افطاری نخورد؛ چنان که برخی از صحابه رسول خدا ﷺ، این کار را انجام دادند» (غزالی، [بی تا]، ج ۳، ص ۹۰).

ثانیاً: این اشکال، اجتهاد در مقابل نص است؛ زیرا به وسیله حدیث صحیح و شهرت ثابت گردید که امام علی و خانواده‌اش علیهم‌السلام، با تأخیر افطار کردند و با توجه به اینکه عمل صحابه برای اهل سنت، نوعی حجت شرعی است (آجری بغدادی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۱۶۹۰)؛ افطار با تأخیر از نماز مغرب نیز سنت به حساب می‌آید.

نتیجه‌گیری

یکی از فضایل اهل بیت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، بهره‌مندی از خصلت سخاوت و ایثارگری آنان است. امام علی و حضرت زهرا علیها‌السلام برای اینکه نذر خود را ادا کنند، سه روز روزه گرفتند و هنگام افطار، نیازمندیانی (یتیم و مسکین و اسیر) طی این سه روز، در خانه اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمدند و اظهار نیاز کردند. این بزرگواران نیز تمام داشته‌های غذایی خود را به این نیازمندان بخشیدند. در این سه روز، فضا نیز با اهل بیت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم همراهی کرد و روزه گرفت. به دنبال این ایثار خاندان علوی، آیات آغازین سوره دهر در شأن آنان نازل گردید؛ زیرا همه آنان با رضایت باطنی خود در راه خداوند ایثار کردند. البته افرادی همچون ابن تیمیه، تمام تلاش خود را صورت دادند تا شبهه‌های سندی و دلالی فراوانی به شاکله روایات ذیل آیات نخستین سوره انسان وارد کنند که نگارنده در دو بخش مجزای سند و دلالت این شبهه‌ها را پاسخ داد.





پی‌نوشت‌ها

[۱] همچون پایان‌نامه‌ها: ۱. «ساختارشناسی سوره انسان و تأثیر آن بر تفسیر آیات و

تحلیل روایات شأن نزول سوره»، نویسنده: مریم نساج، دانشگاه فردوسی مشهد؛ ۲. «بررسی و نقد ادله طرفداران مکی یا مدنی بودن سوره انسان»، نویسنده: صدیقه مفیدی بیدگلی، دانشگاه کاشان.

مقالات: ۱. «نگاهی به الفاظ عام قرآن و اسباب نزول آنها با تکیه بر آیات سوره دهر»، نویسنده: عاشوری تلوکی، نادعلی؛ ۲. «جایگاه اهل بیت (علیهم‌السلام) در سوره دهر از منظر فریقین»، نویسنده: محمد یعقوب بشوی؛ ۳. سوره انسان و اهل بیت (علیهم‌السلام)، نویسنده: ابراهیم اقبال؛ ۴. «شأن نزول سوره انسان در روایات فریقین»، نویسنده: محمد جواد.

[۲] «[انصار] آنها [= مهاجران] را بر خود مقدم می‌دارند؛ هرچند خودشان بسیار به آن نیازمند هستند».

[۳] در کتاب‌های اهل سنت تاریخ تولد حضرت زینب ذکر نشده است؛ ولی با مراجعه به کتاب‌های حدیثی و تاریخی اهل سنت، ثابت می‌گردد که آن حضرت در سال پنجم هجری متولد یافته‌اند؛ زیرا برخی از علمای اهل سنت تصریح کرده‌اند که اول حضرت زینب متولد شده است، بعد ام کلثوم؛ مانند ابن جوزی که چنین می‌گوید: «كان لها من الولد: الحسن و الحسين و زينب و أم كلثوم؛ ولدت حسنا أولاً ثم حسينا ثم زينب ثم أم كلثوم» (ابن جوزی، ۱۴۲۶ق، ص ۲۸۸) و همچنین مالک در کتاب الموطأ، اول زینب و سپس ام کلثوم را بیان کرده است (مالک، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۳۱). با توجه به اینکه طبق آثار اهل سنت امام حسین (علیه‌السلام) در سال چهارم هجری

و حضرت ام‌کلثوم در سال ششم هجری متولد شده‌اند؛ حضرت زینب در سال پنجم هجری تولد یافته‌اند.

[4] EMOTIONAL QURIE

[۵] اصطلاح EQ یا همان هوش هیجانی، اولین بار در سال ۱۹۹۰م، توسط روان‌شناسی به نام سالوی، برای بیان کیفیت و درک احساسات افراد، همدردی با احساسات دیگران و توانایی اداره مطلوب خلق و خو به کاربرد. چنین کودکانی می‌توانند واکنش‌های هیجانی خود را در مقابل همه مردم و شرایط مختلف کنترل کنند. همچنین این خردسالان توانایی به کارگیری «آگاهی از هیجانات دیگران» به منظور موفقیت در کنترل و مدیریت تعامل‌ها، و نیز، ارتباط واضح با شرایط و کنترل موثر تعارض‌های دشوار را دارا هستند (هوش هیجانی، دکتر تراویس برادبری، ترجمه مهدی گنجی، نشر ساوالان، تهران).



فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن اثیر، *اسد الغابه*، [بی جا]: دار ابن حزم، ۱۴۰۹ ق.
۲. ابن حجر عسقلانی، *الإصابة فی تمییز الصحابة*، تحقیق: عادل أحمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.
۳. ابن جوزی، *فنون الأفنان فی عجائب القرآن*، بیروت: دار البشائر الاسلامیة، ۱۴۰۸ ق.
۴. ابن تیمیة الحرانی الحنبلی، *منهاج السنة النبویة*، المحقق: محمدرشاد سالم، ریاض: جامعة الامام محمد بن سعود الإسلامیة، ۱۴۰۶ ق.
۵. _____، *مجموع الفتاوی*، المدینه المنوره: ملک فهد، ۱۴۱۶ ق.
۶. ابن المغازلی، *مناقب أمير المؤمنين علی بن أبیطالب (علیه السلام)*، المحقق: أبو عبد الرحمن ترکی بن عبد الله الوادعی، صنعاء: دار الآثار، ۱۴۲۴ ق.
۷. امینی، عبدالحسین، *الغدیر*، تعلیق: سید عبد العزیز طباطبائی، قم: جامعہ المدرسین، ۱۳۸۷.
۸. ابن جوزی، *تذکره الخواص*، قم: مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)، ۱۴۲۶ ق.
۹. أجری، أبوبکر محمد بن الحسین بن عبد الله البغدادی، *الشریعة*، المحقق: الدكتور عبد الله بن عمر بن سلیمان الدمیجی، الطبعة الثانية، الرياض: الوطن، ۱۴۲۰ ق.
۱۰. آلوسی، أبو الفضل شهاب الدین السید محمود آلوسی البغدادی، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق.
۱۱. بشوی، محمد یعقوب، *جایگاه اهل بیت (علیهم السلام) در سورة دهر از منظر فریقین*، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۵.





۱۲. ثعلبی، أبو إسحاق أحمد بن إبراهيم النيسابوري، **الكشف و البيان عن تفسير القرآن**، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۲۹ق.
۱۳. ذهبی، شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز، **سير أعلام النبلاء**، المحقق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط، الطبعة الثالثة، بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۵ق.
۱۴. رازی شافعی، فخرالدين محمد بن عمر التميمي، **التفسير الكبير أو مفاتيح الغيب**، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۲۱ق.
۱۵. زمخشري، أبو القاسم محمود بن عمر، **الكشاف عن حقائق التنزيل و عيون الأقاويل في وجوه التأويل**، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۷ق.
۱۶. سيوطي، جلال الدين، **الدر المنثور**، بيروت: دار الفكر، ۱۴۰۴ق.
۱۷. صفدي، صلاح الدين خليل بن أبيك بن عبد الله الصفدي، **الوافي بالوفيات**، المحقق: أحمد الأرنؤوط وتركى مصطفى، بيروت: دار إحياء التراث، ۱۴۲۰ق.
۱۸. غزالي، أبو حامد محمد بن محمد الطوسي، **إحياء علوم الدين**، بيروت: دار المعرفة، [بى تا].
۱۹. قرطبي، محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح، أبو عبد الله، **الجامع لأحكام القرآن**، تحقيق: أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش، قاهره: دار الكتب المصرية، ۱۳۸۷.
۲۰. طباطبائي، سيد محمد حسين، **الميزان في تفسير القرآن**، بيروت: موسسه الاعلى، ۱۳۷۰.
۲۱. نيشابوري، **تفسير غرائب القرآن و رغائب الفرقان**، بيروت: دار الكتب الاعلمى، ۱۴۱۶ق.
۲۲. مالك بن أنس، أبو عبد الله، **موطأ الامام مالك**، دمشق: دار القلم، ۱۴۱۳ق.
۲۳. نسفى، أبو البركات عبد الله بن أحمد بن محمود، **تفسير النسفى**، بيروت: دار النفائس، ۲۰۰۵م.
۲۴. واحدی، **اسباب النزول**، بيروت: دار الكتب العلميه، ۱۴۱۲ق.